

# آسمان جان

چهره معنوی عمر از نظر مولوی

نصرالله پورجوادی



فرهنگ معاصر  
تهران ۱۳۹۳

## فهرست

- پیشگفتار ..... ۱
- مقدمه ..... ۹
- باب اول: چهرهٔ مقدس عمر در تصوّف ..... ۱۷
۱. نقش داستانهای تاریخی در تصوّف ..... ۱۹
۲. شخصیت زاهدانه و عرفانی عمر ..... ۲۵
۳. محدّث بودن عمر ..... ۳۲
۴. کرامات عمر ..... ۳۷
۵. چراغ اهل بهشت ..... ۴۳
۶. ترک ادب و مغلوبی ..... ۴۸
۷. چهرهٔ عمر در فیه مافیه ..... ۵۳
۸. چهرهٔ عمر در داستانهای دیگر مثنوی ..... ۶۱
- باب دوم: مرشد کامل (داستان ملاقات رسول قیصر با عمر) ..... ۶۷
۱. جهاد اکبر: مقدمهٔ داستان عمر ..... ۶۹
۲. قصر جان ..... ۷۶
۳. چهرهٔ ترسناک عمر ..... ۸۴
۴. علم تصوف از زبان عمر ..... ۹۰
۵. منازل آسمانی ..... ۹۴
۶. افسون خواندن در گوش جان ..... ۱۰۱
۷. عشق و روح ..... ۱۰۸

- ۱۱۲ ..... ۸. عشق و جبر
- ۱۱۵ ..... ۹. اختیار آدمی
- ۱۱۸ ..... ۱۰. خلق خیر و شر
- ۱۲۳ ..... ۱۱. نگاه داشتن ادب
- ۱۲۷ ..... ۱۲. مثال ارتعاش
- ۱۳۰ ..... ۱۳. بحث عقل و بحث جان
- ۱۳۳ ..... ۱۴. تکرار مطلب
- ۱۳۸ ..... ۱۵. پاسخ ندادن به سؤال
- ۱۴۷ ..... باب سوم: شنونده ندای حق
- ۱۴۹ ..... ۱. اصل داستان پیر چنگی
- ۱۵۲ ..... ۲. نغمه اولیاء
- ۱۵۵ ..... ۳. اتصال با عالم جان
- ۱۵۹ ..... ۴. ارتباط جان و بدن
- ۱۶۴ ..... ۵. باران آسمان جان
- ۱۷۵ ..... ۶. خوابیدن پیر و خوابیدن عمر
- ۱۸۲ ..... ۷. مسئله سخن گفتن جمادات
- ۱۸۶ ..... ۸. خواب دیدن عمر
- ۱۹۰ ..... ۹. اتصال پیر چنگی با جهان جان
- ۱۹۳ ..... ۱۰. افاضات عقل کل
- ۱۹۷ ..... نمایه
- ۲۰۸ ..... فهرست آیات و احادیث و اخبار
- ۲۱۰ ..... کتابنامه

## فهرست

۱	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۷	باب اول: چهرهٔ مقدس عمر در تصوّف
۱۹	۱. نقش داستانهای تاریخی در تصوّف
۲۵	۲. شخصیت زاهدانه و عرفانی عمر
۳۲	۳. محدّث بودن عمر
۳۷	۴. کرامات عمر
۴۳	۵. چراغ اهل بهشت
۴۸	۶. ترک ادب و مغلوبی
۵۳	۷. چهرهٔ عمر در فیه مافیہ
۶۱	۸. چهرهٔ عمر در داستانهای دیگر مثنوی
۶۷	باب دوم: مرشد کامل (داستان ملاقات رسول قیصر با عمر)
۶۹	۱. جهاد اکبر: مقدمهٔ داستان عمر
۷۶	۲. قصر جان
۸۴	۳. چهرهٔ ترسناک عمر
۹۰	۴. علم تصوّف از زبان عمر
۹۴	۵. منازل آسمانی
۱۰۱	۶. افسون خواندن در گوش جان
۱۰۸	۷. عشق و روح

۸. عشق و جبر ..... ۱۱۲
۹. اختیار آدمی ..... ۱۱۵
۱۰. خلق خیر و شر ..... ۱۱۸
۱۱. نگاه داشتن ادب ..... ۱۲۳
۱۲. مثال ارتعاش ..... ۱۲۷
۱۳. بحث عقل و بحث جان ..... ۱۳۰
۱۴. تکرار مطلب ..... ۱۳۳
۱۵. پاسخ ندادن به سؤال ..... ۱۳۸
- باب سوم: شنونده ندای حق ..... ۱۴۷
۱. اصل داستان پیر چنگی ..... ۱۴۹
۲. نغمه اولیاء ..... ۱۵۲
۳. اتصال با عالم جان ..... ۱۵۵
۴. ارتباط جان و بدن ..... ۱۵۹
۵. باران آسمان جان ..... ۱۶۴
۶. خوابیدن پیر و خوابیدن عمر ..... ۱۷۵
۷. مسئله سخن گفتن جمادات ..... ۱۸۲
۸. خواب دیدن عمر ..... ۱۸۶
۹. اتصال پیر چنگی با جهان جان ..... ۱۹۰
۱۰. افاضات عقل کل ..... ۱۹۳
- نمایه ..... ۱۹۷
- فهرست آیات و احادیث و اخبار ..... ۲۰۸
- کتابنامه ..... ۲۱۰

سنّی از همان تاریخی استفاده کرده است که عموم اهل سنت تدوین کرده‌اند. این تاریخ، تاریخ به معنای علمی نیست بلکه چیزی است که می‌توان آن را تاریخ دینی یا ارشادی و به اصطلاح فرنگیها تاریخ مقدس یا تاریخ رستگاری نامید. بخشی از این تاریخ دربارهٔ پیامبران است و بخشی دربارهٔ صحابه و تابعین صحابه و تابعین تابعین و بخشی هم دربارهٔ کسانی است که به ایشان ابدال و اولیاء الله و در زبان پارسی در قرنهای نخستین «دوستان خدا» می‌گفته‌اند. مرتبط نمودن هر یک از فرقه‌های صوفی به سلسله‌ای که در نهایت به پیغمبر (ص) منتهی می‌شود نیز بخشی از این تاریخ ساختگی و ارشادی است. اساساً مهمترین موضوعی که در تاریخ ارشادی صوفیان وجود داشته است بحث ولایت یا دوستی با خداست. در واقع تاریخ برای صوفیان تاریخ ولایت است، آفتابی که در آسمان جان انبیاء و پیروان راستین ایشان که مؤمنان صادق و دوستان خداوند تاییده است.

صوفیان تاریخ دوستان خدا را بعد از رسول اکرم (ص) با اصحاب خاص آن حضرت آغاز کردند و خلفای راشدین، به ویژه علی بن ابی طالب (ع)، را پیشوای سلسله یا سلسله‌های دوستان خدا معرفی نمودند. خرقة و دستاری را که صوفیان در پر دوستان خدا کردند یا به علی بن ابی طالب نسبت می‌دادند یا استثنائاً به ابوبکر. دربارهٔ عثمان عموماً کمتر سخن گفته می‌شود ولی عمر و مقام باطنی او را نیز برخی از صوفیان و ارباب سیر و سلوک ستایش می‌کردند و حتی عمر را یکی از اولیاء الله یا دوستان خدا معرفی می‌نمودند و پاره‌ای از اوصاف اولیاء الله را به او نسبت می‌دادند. او را صاحب کرامات می‌دانستند و می‌گفتند که به او الهام می‌شد و به اصطلاح محدّث بود. این داوریه‌ها در حق عمر به خصوص در آثار حکیم محمد بن علی ترمذی که در قرن سوم می‌زیست دیده می‌شود. در آثار صوفیان بعدی نیز، مانند شرح تعرف اسماعیل مستملی بخاری و همچنین برخی از آثار شیخ اشراق شهاب‌الدین

کلامی داشت و به همین جهت صوفیان از قرن چهارم به بعد سعی کردند با نوشتن اعتقادنامه هائی از خود دفاع کنند. برخی از این اعتقادنامه‌ها خود آثاری بود مستقل و برخی دیگر ابوابی بود که بخشی از کتابهای جامع تصوّف، یا صوفی‌نامه‌ها، را تشکیل می‌داد.

ابوابی که نویسندگان «صوفی‌نامه‌ها» در دفاع از عقاید خود نوشتند در نگاه اول ناظر به مسائل کلامی بود، ولی از آنجا که در جامعهٔ قرون وسطائی کلام و سیاست دست در دست هم دارند، مسائل مورد نزاع متکلمان نمی‌توانست در صحنهٔ سیاست و قدرت بدون بازتاب باشد. بحث دربارهٔ صفات خدا، رؤیت خداوند در آخرت، جبر و اختیار، غیر حادث بودن قرآن، وعد و وعید، به بهشت رفتن اطفال مؤمنان که جسته گریخته در کتابهای صوفیان، به خصوص در کتاب التّعرف، آمده است مسائلی بود که متکلمان و اهل حدیث دربارهٔ آنها نزاع داشتند و صوفیان می‌خواستند خود را پیرو مذهب رسمی که مذهب اهل حدیث و سنت بود نشان دهند. تصوّف به هر حال در داخل جامعه‌ای سنّی شکل گرفت و نویسندگان صوفی‌نامه‌ها نیز می‌خواستند از لحاظ کلامی در زمرهٔ اهل حدیث و سنت به شمار آیند. از لحاظ سیاسی و تاریخ سیاسی نیزخواستند پای‌بندی خود را به همان عقاید رایج اهل سنت نشان دهند. صوفیان برای مصون ماندن از گزند علمای ظاهری و مخالفان خود ناگزیر بودند یا وطن مألوف خود را ترک گویند یا خود را پیرو عقاید مورد قبول حاکمان زمان و خلیفهٔ وقت نشان دهند و رفتار و کردار کسانی را در میان خود الگو و سرمشق قرار دهند که حاکمان سنّی پذیرفته بودند.

مذهب اهل تصوّف مانند هر مذهب دیگری برای خود تاریخی خلق کرده است که به صورت بخشی از هویت تاریخی و اجتماعی تصوّف در آمده است. البته، از آنجا که تصوّف مذهب و آیین واحدی نیست، تاریخ ساختگی صوفیان هم به صورتی واحد نیست. ولی به‌طور کلی تصوّف